



در رساله مجرب از امام صادق علیه السلام

اصول فقه (بحث چهارم - اصول عملیه)

استصحاب

جلسه ۴۴۰

استاد شفیعی

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

خلاصه بحث گذشته

موضوع بحث در اصول عملیه شک است که چهار حالت دارد:

۱. مشکوک، حالت سابقه مورد لحاظ شارع دارد = مجرای استصحاب.
۲. مشکوک، فاقد حالت سابقه است و تکلیف بطور کلی مجهول است = مجرای برائت.
۳. مشکوک، فاقد حالت سابقه است و تکلیف فی الجملة معلوم است = مجرای احتیاط.
۴. تکلیف، اجمالاً معلوم است اما احتیاط ممکن نیست = مجرای تخییر.

تعریف استصحاب

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

مكلف یقین دارد که یک ساعت قبل طهارت داشته و اکنون شک در بقاء آن حالت متیقنه شک می‌کند.

در نتیجه ارکان استصحاب عبارت است از: یقین سابق و شک لاحق.

در این حالت مكلف مردد است که آیا بناء را بر ابقاء طهارت بگذارد، یا عدم طهارت؟

از آنجا که بقاء یقین سابق متزلزل است، مكلف در مقام عمل دچار حیرت می‌شود، در این مورد

احتمالاتی وجود دارد:

آیا بر طبق متیقن سابق عمل کند؟ احتمال دارد که متیقن از بین رفته باشد.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv آیا بر خلاف متیقن عمل کند؟ احتمال دارد که متیقن سابق باقی باشد.

پس در هر دو صورت، احتمال مخالفت با واقع وجود دارد.

در چنین شرائط وظیفه مكلف چیست؟

کلمة «الاستصحاب» مأخوذة فی أصل اشتقاقها من کلمة «الصحة»

استصحاب در لغت بمعنای اخذ شبیه است بعنوان مصاحب و همراه.

اطلاق استصحاب بر کدام یک صحیح است؟

۱. بر عمل مکلف: تطلق کلمة الاستصحاب على نفس الابقاء العملي...

کلمه استصحاب، بر نفس ابقای عملی مکلف، اطلاق می شود.

۲. بر قاعده: كذلك يصح اطلاقها على نفس القاعدة...

زیرا این قاعده هم به بقاء یقین سابق تا کنون حکم می کند.

سوال: اطلاق استصحاب بر کدام مورد أصح است؟

مصنف: فينبغي أن يجعل التعريف لهذه القاعدة المجعولة.

اولی تعریف قاعده است، یعنی مساله «ابقاء حکمی» را بیان کنیم، نه ابقاء عملی را.